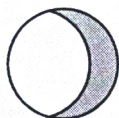


تاریخ مستند ایران «از اسلام تا یورش مغولان»

میرحسین ولوی



نستماه بیس

فهرست مطالب



مقدمه	۱۷
نگاهی گذرا به تاریخ ایران پس از اسلام تا حمله مغول	۲۱
اشاره به چند نکته	۲۴
فصل یکم - تولد دین اسلام	۲۷
نگاهی به جزیره العرب و ظهور اسلام	۲۷
جزیره العرب	۳۰
نموداری از قبیله قریش	۳۶
پیامبر در شهر مکه	۳۷
رسالت محمد (ص)	۴۸
پیامبر در مدینه	۵۴
دعوت پیامبر اسلام از سران کشورهای قدرتمند به پذیرش اسلام	۵۹
پس از رحلت پیامبر	۶۴

۱۴۱	مروان بن حَکَم
۱۴۳	عبدالملک مروان
۱۴۶	جنبش تَوَابین (توبه کنندگان)
۱۴۷	جنبش مختار ثقفی
۱۵۱	ولید بن عبدالملک
۱۵۳	سلیمان بن عبدالملک
۱۵۵	عمر بن عبدالعزیز
۱۶۱	یزید بن عبدالملک
۱۶۲	هشام بن عبدالملک
۱۶۶	ولید بن یزید
۱۶۷	یزید بن ولید (یزید سوم)
۱۶۹	ابراهیم بن ولید
۱۷۱	مروان بن محمد (مروان دوم)
۱۷۴	اوضاع اجتماعی و سیاسی در دوران بنی امیه
۱۸۵	فصل سوم - برآمدن عباسیان
۱۸۵	اسامی خلفای بنی عباس از ابتدای خلافت تا پایان
۱۸۷	فروپاشی بنی امیه و برآمدن بنی عباس
۱۹۳	سفاح (اولین خلیفه عباسی)
۲۰۲	منصور دوانیقی
۲۰۶	بغداد پایتخت بنی عباس
۲۰۸	ابومسلم خراسانی
۲۱۷	مهدی عباسی

۶۷	اوضاع ایران مقارن با ظهور اسلام
۶۷	خلیفه اول: ابوبکر بن ابی قُحافه
۷۲	اوضاع ایران مقارن با دوران خلافت ابوبکر
۷۳	خلیفه دوم - عمر بن حَظَّاب
۸۱	اوضاع ایران مقارن با دوران خلافت عمر بن خطاب
۸۷	کشته شدن عمر بن خطاب
۹۲	خلیفه سوم - عثمان بن عفان
۹۶	کشته شدن عثمان بن عفان
۹۹	اوضاع ایران مقارن با دوران خلافت عثمان
۱۰۱	خلیفه چهارم - امام علی بن ابی طالب
۱۰۴	جنگ جمل
۱۰۷	جنگ صفین
۱۱۲	جنگ نهروان
۱۱۴	اوضاع ایران مقارن با دوران خلافت امام علی
۱۱۷	خلافت کوتاه امام حسن بن علی
۱۲۱	فصل دوم - حکومتگران عرب
۱۲۱	برآمدن سلسله بنی امیه
۱۲۴	معاویه بن ابی سفیان
۱۳۰	یزید بن معاویه
۱۳۱	واقعه کربلا
۱۳۶	واقعه حرّه
۱۳۹	معاویه بن یزید

۲۹۵	مستعین بالله
۲۹۷	معتز بالله
۲۹۸	مهتدی بالله
۳۰۰	شورش زنگیان
۳۰۲	معتمد علی الله
۳۰۴	معتضد بالله
۳۰۵	مکتفی بالله
۳۰۷	مقتدر بالله
۳۰۹	قاهر بالله
۳۱۱	راضی بالله
۳۱۳	متقی لله
۳۱۵	مستکفی بالله
۳۱۶	مطیع لله
۳۱۸	طائع لله
۳۱۹	قادر بالله
۳۲۰	قائم بامرالله
۳۲۲	مقتدی بامرالله
۳۲۳	مستظهر بالله
۳۲۵	مسترشد بالله
۳۲۶	راشد بالله
۳۲۷	مقتفی لامرالله
۳۲۸	مستنجد بالله
۳۳۰	مستضی بامرالله

۲۱۹	حکومت محلی دابویگان و پادسپان در شمال ایران
۲۲۲	هادی عباسی
۲۲۴	هارون الرشید
۲۲۸	برمکیان
۲۳۹	آغاز تجزیه امپراتوری بنی عباس
۲۴۳	امین عباسی
۲۴۶	مأمون عباسی
۲۵۴	نهضت ترجمه و بیت الحکمه در زمان مأمون
۲۵۸	شدت گرفتن شورش ها علیه بنی عباس
۲۶۲	فصل چهارم - شورش ایرانی ها علیه بنی عباس
۲۶۲	شورش سنباد
۲۶۳	شورش اسحاق ترک
۲۶۴	شورش استادسیس
۲۶۶	شورش مُقَنَع
۲۶۹	جنبش بابک خرمدین
۲۷۶	شورش مازیار علیه خلیفه عباسی
۲۷۹	افشین و سرانجام او
۲۸۳	معتصم عباسی
۲۸۶	برآمدن ترکان در دستگاه خلافت عباسی
۲۸۸	واثق بالله
۲۹۰	متوکل عباسی
۲۹۳	منتصر بالله

دستگاه اداری و درباری در دوره سامانیان	۳۹۴
سلسله دیلمیان - آل بویه	۳۹۸
دیلمه فارس	۴۰۲
علی - عمادالدوله دیلمی	۴۰۲
عضدالدوله دیلمی	۴۰۴
شرف الدوله دیلمی	۴۰۷
صمصام الدوله دیلمی	۴۰۸
بهاء الدوله دیلمی	۴۰۹
سلطان الدوله دیلمی	۴۱۱
عمادالدوله دیلمی (ابوکالیجار مرزبان)	۴۱۲
ملک رحیم دیلمی	۴۱۳
دیلمه عراق، خوزستان و کرمان	۴۱۵
معزالدوله (احمد) دیلمی	۴۱۵
عز الدوله بختیار دیلمی	۴۲۰
مشرف الدوله دیلمی	۴۲۱
آل بویه در همدان، ری و اصفهان	۴۲۲
حسن (رکن الدوله) دیلمی	۴۲۲
مؤیدالدوله دیلمی	۴۲۴
فخرالدوله دیلمی	۴۲۵
مجدالدوله دیلمی	۴۲۷
شمس الدوله دیلمی	۴۲۸
سلطان الدوله دیلمی	۴۳۰
عمادالدین دیلمی	۴۳۱

ناصرالدین الله	۳۳۱
ظاهرالدین الله	۳۳۴
مستنصر بالله	۳۳۵
مستعصم بالله (آخرین خلیفه عباسی)	۳۳۷
سربرآوردن دولت های نیمه مستقل و مستقل ایرانی	۳۴۰
فصل پنجم - خیزش ایرانیان	۳۴۲
طاهریان در خراسان	۳۴۲
علویان در تبرستان	۳۵۰
صفاریان در سیستان	۳۵۵
سلسله سامانیان	۳۶۶
امیر اسماعیل سامانی	۳۷۱
امیر احمد بن اسماعیل سامانی	۳۷۵
امیر نصر بن احمد سامانی	۳۷۶
امیر نوح بن نصر سامانی	۳۷۸
امیر عبدالملک بن نوح سامانی	۳۷۹
امیر منصور بن نوح سامانی	۳۸۰
امیر نوح بن منصور سامانی	۳۸۲
امیر منصور بن نوح (منصور دوم سامانی)	۳۸۳
امیر عبدالملک سامانی	۳۸۴
اسماعیل بن نوح (امیر منتصر)	۳۸۷
فرهنگ و ادب در دوره سامانیان	۳۸۸
عوامل فروپاشی سامانیان	۳۹۳

۴۷۴	طغرل سلجوقی
۴۷۷	آلب ارسلان سلجوقی
۴۸۱	جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی
۴۸۸	رکن‌الدین برکیارق سلجوقی
۴۹۰	ملک‌شاه بن برکیارق سلجوقی
۴۹۱	غیاث‌الدین محمد بن ملک‌شاه سلجوقی
۴۹۲	سلطان سنجر سلجوقی
۴۹۹	فروپاشی سلجوقیان در ایران
۵۰۰	سلجوقیان عراق عجم
۵۰۴	سلجوقیان کرمان
۵۰۶	سلجوقیان شام
۵۰۹	سلجوقیان روم (آسیای صغیر)
۵۱۴	اتابکان (امرای سلجوقی)
۵۱۶	اتابکان آذربایجان
۵۱۹	اتابکان فارس (سلغریان)
۵۲۱	اتابکان لرستان (لر بزرگ و لر کوچک)
۵۲۳	اتابکان یزد (آل وردان)
۵۲۵	برآمدن سلسله خوارزمشاهیان
۵۲۷	قطب‌الدین محمد (پسر انوشته‌کین)
۵۲۸	علاء‌الدین اتسز خوارزمشاه
۵۳۰	ایل ارسلان خوارزمشاه
۵۳۲	شاه محمود خوارزمشاه

۴۳۱	قوام‌الدوله دیلمی
۴۳۲	جلال‌الدوله دیلمی
۴۳۵	سلسله زیاریان
۴۳۶	مرداویج زیاری
۴۳۸	وشمگیر زیاری
۴۳۹	بهستون زیاری
۴۴۰	شمس‌المعالی قابوس پسر وشمگیر
۴۴۲	فلک‌المعالی منوچهر
۴۴۳	انوشیروان زیاری

فصل ششم - حکومتگران ترک در ایران

۴۴۶	برآمدن سلسله غزنویان
۴۴۶	آلتکین
۴۴۸	سبکتکین
۴۵۰	سلطان محمود غزنوی (یمین‌الدوله)
۴۵۱	سلطان مسعود غزنوی
۴۵۶	سلطان مودود بن مسعود غزنوی
۴۵۹	سلطان مسعود دوم و علی بن مودود غزنوی
۴۶۱	عبدالرشید فرزند سلطان محمود غزنوی
۴۶۲	فرخ‌زاد فرزند سلطان مسعود غزنوی
۴۶۳	ابراهیم فرزند سلطان مسعود غزنوی
۴۶۴	فروپاشی غزنویان
۴۶۵	برآمدن سلسله سلجوقیان
۴۷۱	

فصل یکم تولد دین اسلام



نگاهی به جزیره العرب و ظهور اسلام

هنگامی که دو امپراتوری ایران^۱ و روم^۲ سرگرم جنگ‌های طولانی مدت بودند که

۱. گستره ایران ساسانی مشهور به ایران‌شهر، در شاهنامه ابومنصوری، از جیحون تا نیل دانسته شده است. نک. شهرستان‌های ایران‌شهر، نوشته‌ای به زبان فارسی میانه، ترجمه شهران جلیلیان، انتشارات توس، ۱۳۸۸ و ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، یوزف مارکوارت، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

۲. امپراتوری روم تا ۳۹۵ میلادی سرزمینی گسترده بود، اما در این سال امپراتور تئودوسیوس (۳۴۷-۳۹۵ م.) تصمیم گرفت تا امپراتوری روم را میان دو پسرش به دو بخش تقسیم نماید، امپراتوری روم شرقی با مرکزیت بیزانتیا (استانبول فعلی) و امپراتوری روم غربی با مرکزیت روم شکل گرفت که شامل اروپا بود. هر دو بخش یادشده قدرتمند و با عنوان «امپراتوری روم» شناخته می‌شدند اما رفته‌رفته امپراتوری روم شرقی، به جای فرهنگ و زبان لاتین، از فرهنگ و زبان یونانی و کلیسای ارتودوکس پیروی کرد. نیروهای مهاجمی که ژرمن نام داشتند و همچنین هون‌ها به رهبری آتیل‌همواره، به روم غربی یورش می‌بردند تا آنکه در سال ۴۷۶ میلادی، آخرین امپراتور روم غربی توسط مهاجمان از قدرت کنار زده شد و در اواخر قرن پنجم میلادی، امپراتوری روم غربی از هم گسیخت و مهاجمان حکومت‌های پادشاهی جدیدی در اروپا بنا نهادند. امپراتوری روم شرقی نیز در سال ۱۴۵۳ میلادی توسط امپراتوری عثمانی شکست خورد و از میان رفت. برای آگاهی بیشتر نک. انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ادوارد گیبون، ترجمه ابوالقاسم طاهری، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۰.

جز فرسایش چیزی برای طرفین نداشت،^۱ مردی در سرزمین بی‌آب و علف و فاقد تمدنی مهم، پا به عرصه وجود گذاشت که پیروانش در کمتر از چند دهه سرنوشت شرق و غرب جهان را دگرگون و طرحی نو در انداختند.^۲

در حدود دهه‌های پایانی قرن ششم میلادی، امپراتوری فرتوت و پرنوسان ساسانی غرق در تضادها و کشمکش‌های داخلی بود و دولت^۳ روم شرقی یا بیزانس^۴ نیز پس از فروپاشی روم غربی، سرگرم رقابت‌های داخلی شده بود که جز پریشانی و آشوب حاصلی برایش نداشت.

سرزمین بی‌آب و علف جزیره‌العرب^۵ که هرگز از سوی دو ابرقدرت ایران و روم

۱. برای به دست آوردن دیدی نسبتاً جامع از جنگ‌های طولانی مدت دو امپراتوری شرق و غرب نک. جنگ‌های پارسیان (ایران و روم)، پروکوپیوس، ترجمه محمد سعیدی.

۲. از آنجایی که هدف کتاب حاضر تمرکز بر روی تاریخ سرزمین ایران است، لذا بررسی تاریخ اسلام و ظهور پیامبر اسلام نسبتاً به اجمال برگزار خواهد شد.

۳. واژه دولت در ادبیات فارسی، به‌ویژه در ده‌های اخیر معنایی غیر از مفهوم واقعی و پیشین به خود گرفته و مترادف با حکومت و کابینه شده است. معنای واقعی دولت عبارت است از: اقبال، بخت، طالع، تمکن، ثروت و مکنث که نقیض نکبت شمرده می‌شود. کاربرد این واژه در این کتاب نیز مترادف با حکومت گرفته شده است. برای آگاهی بیشتر نک. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه.

۴. بیزانس یا بیزانتیوم نام پایتخت روم شرقی، به‌وسیله کنستانتین به‌عنوان پایتخت انتخاب شد و از آن تاریخ به اعتبار او قسطنطنیه نامیده شد که امروز به استانبول مشهور است. امپراتوری روم شرقی از فروپاشی امپراتوری روم غربی در سده پنجم میلادی در امان ماند و به مدت هزار سال ادامه حیات داشت تا آنکه در سال ۱۴۵۳ میلادی توسط امپراتوری عثمانی ساقط شد. برای آگاهی بیشتر نک. انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ادوارد گیبون، ترجمه ابوالقاسم طاهری، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۰.

۵. واژه عرب در تاریخ کهن مترادف با صحرا و بادیه و معنی آن خشک و بی‌حاصل بود. در کتاب مقدس کلمه عرب و سرزمین عرب مترادف با صحرائشین و بدوی آمده است. نک. المنجد ذیل واژه و نیز نک. مقالات تقی‌زاده، ج ۱۵، تاریخ عربستان و قوم عرب، سید حسن تقی‌زاده، ص ۲۴۸.

ارزش تصرف و حکومت کردن را پیدا نکرد، در دامان قبایل عرب جاهلی^۱ شخصی را پروراند که به‌زودی نه‌تنها سرنوشت جزیره العرب را تغییر داد بلکه شرق و غرب جهان را به‌سرعت در معرض تلاطم‌های بزرگی قرار داد که مسیر تاریخ جهان دگرگون گشت. نام این پیام‌آور محمد بن عبدالله بود.^۲

سبئوس، مورخ ارمنی قرن هفتم میلادی، در تاریخ خود که نزدیک به دوران حیات پیامبر اسلام نگاشته است، درباره محمد بن عبدالله چنین گزارش می‌دهد:

«در آن زمان مردی بود محمد نام که بازرگان بود و به امر خداوندی از میان اعقاب اسماعیل به موعظه برخاست تا راه راست را به ایشان بنماید. او مرد دانایی بود که مخصوصاً سرگذشت موسی را خوب می‌دانست و می‌گفت که خدای ابراهیم را پرستند. باری، چون دستوراتی که به او می‌رسید از عالم بالا بود، همگان به یک فرمان او تابع و پیرو دین واحد شدند. آنان دست از پرستش آئین‌های پوچ خود برداشتند و به جانب خداوند زنده روی آوردند که بر ابراهیم، نیای همه آنان، ظاهر شده بود. محمد این قانون را برای آنان آورد: «مردار نخورید، شراب نیاشامید، دروغ نگوئید و زنا نکنید.»^۳

۱. جاهلیت از نظر معنی‌شناسی بیشتر در برابر «جلم» به معنای بردباری می‌نشیند تا در برابر «جهل» به معنی نادانی. همان‌طور که می‌دانیم جاهلیت به دوران تاریخ عرب پیش از اسلام (از اواخر قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام) اطلاق می‌شود که استوار بر ارزش‌ها و رفتارهایی چون خشم، تکبر، فخرفرشی و افتخار به قبیله و نسب بوده است. دین اسلام با همه آن ارزش‌ها به مبارزه برخاست و مدل نوینی از ارزش‌ها را جایگزین کرد. نک. راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، آذرتاش آذرنوش، ص ۱۵ و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۴۴۰.

۲. واژه محمد با مَحْمُود هم ریشه است. محمود یعنی ستایش شده، و صفت مَحْمَد هنگامی به کسی اطلاق می‌شود که همه خصلت‌های پسندیده در آن شخص جمع باشد. نک. مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه.

۳. تاریخ سبئوس، فصل ۴۲، ص ۲۰۶.